



راهکارهای تأمین جرم‌انگاری توسعه‌گرا در حقوق کیفری

دکتر سید محمود مجیدی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۶

چکیده

افزایش مجازات، راهکار اصلی و سنتی دولت‌ها در مقابله با ازدیاد جرایم مهم در جامعه بوده است. تحولات دهه‌های اخیر حقوق کیفری در قبال جرایم مهم علیه امنیت و نظم عمومی نشان می‌دهد که کشورها با تکیه بر چه راهکارهایی، سیاست کیفری سرکوبگرانه‌ای را در این زمینه اتخاذ کرده‌اند. راهکارهایی که مرکز ثقل خود را استفاده از ظرفیت درونی حقوق کیفری در مبارزه با این گروه از جرایم قرار داده است. این مقاله به روشنی راهکارهای مرتبط با ارکان سه‌گانه جرایم که زمینه‌ساز توسعه دامنه جرم‌انگاری بوده و سهم عمده‌ای در تحقق سیاست کیفری سرکوبگرانه دارد تشریح می‌کند. از این روست که راهکارهایی از قبیل به‌کارگیری اصطلاحات خاص و مرتبط ساختن آن به دامنه جرم‌انگاری، به‌کارگیری قیود حداقلی، استفاده از الفاظ مبهم و اختلاف‌زا، تغییر در موضوع جرایم، بهره‌گیری از جرم‌انگاری مطلق و عدم تقید به نتیجه، بهره‌مندی از جرم‌انگاری با اکتفا به سوءنیت عام و نیز گسترش پذیرش جرایم غیر عمد در همین راستا تشریح شده است. توجه به این راهکارها می‌تواند توجه همگان را به ظرفیت حقوق کیفری در تأمین سیاست کیفری امنیت‌مدار معطوف نموده و نیز از اهمیت تاریخی افزایش مجازات به‌عنوان تنها راه‌حل مقابله با جرایم مهم بکاهد.

واژگان کلیدی: جرم‌انگاری توسعه‌گرا، سیاست کیفری امنیت‌مدار، ظرفیت حقوق کیفری، گسترش

موضوع جرم، جرم‌انگاری ابهام‌زا

مقدمه

از دهه‌های پیش و به‌ویژه از حدود سال ۱۹۷۵، جنبشی در حقوق کیفری اروپا با رویکرد ایجاد محدودیت در دامنهٔ مداخله نظام کیفری به وجود آمد و از آن زمان با ارائه راهکارهایی در این زمینه توسعه و گسترش یافت. نتیجهٔ تلاش‌های این جنبش، در قالب راهکارهایی چون «جرم‌زدایی»^۱، «کیفرزدایی»^۲ و «قضازدایی»^۳ متبلور گشت که هدف همهٔ آن‌ها، تراکم‌زدایی در حوزهٔ نظام کیفری بود. آن چه ضرورت این راهکارها را ایجاد می‌نمود آثار نامطلوب تورم تقنینی جرایم و امکان بهره‌مندی از سایر سازوکارها جهت پاسخگویی به برخی از جرائم بود. در این زمان این دیدگاه نیز مورد توجه قرار گرفت که پیش از جرم‌انگاری باید بر اساس تجزیه و تحلیل هزینه و فایده، هزینه‌های اقدام کیفری را با منافع آن سنجید و در صورت برتری منافع، نسبت به جرم‌انگاری آن اقدام نمود؛ دیدگاهی که واهمه دارد مداخلهٔ بیش از اندازهٔ حقوق کیفری در آزادی‌های فردی سبب شود تا مردم، دولت را مانع اصلی فعالیت‌های خود دانسته و امکان پرورش و شکوفایی بیشتر استعدادها و توانائی‌ها تقلیل یابد. از این رو باید پاسخگویی به برخی از رفتارهای ناهنجار به مراجع غیر رسمی و جامعه مدنی سپرده شود تا از همهٔ پتانسیل‌های موجود در جامعه در راستای مبارزه با بزهکاری استفاده گردد.

راهکارهایی که به هدف منع مداخله و یا عقب نشینی حقوق کیفری تاکنون معرفی شده دارای تأثیرات قابل توجهی در حقوق موضوعه کشورها داشته است. به همین دلیل است که آلمان فدرال، تعداد زیادی از جرائم خلافی را به جرایم اداری تبدیل نموده و کشور ایتالیا نیز بر اساس قانون ۲۴ نوامبر ۱۹۸۱ جرایم مشمول مجازات نقدی را از صلاحیت نظام کیفری خارج کرد. تصویب قوانین مهمی چون قانون ۲۸ دسامبر ۱۹۹۳ و نیز قانون ۲۸ آوریل ۲۰۱۴ در کشور ایتالیا را باید در راستای همین سیاست کیفرزدایی تفسیر نمود. در فرانسه نیز با تصویب قانون جزای ۱۹۹۲، نسبت به برخی

۱. جرم زدایی (La décriminalisation) فرایندی است که به موجب آن صلاحیت نظام کیفری در جهت اعمال ضمانت اجراها نسبت به شکل خاصی از رفتار مجرمانه سلب یا محدود می‌شود. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه کنید ویژه نامه حقوقی قضایی دادگستری، شماره ۴۱، سال ۱۳۸۱

۲. کیفرزدایی (La dépenalisation) به این معنا است که با حفظ وصف مجرمانه، تغییر وصف یک جرم از درجهٔ بالاتر به درجهٔ پایین‌تر ممکن می‌شود، مانند آن که وصف مجرمانه جرم از جنایت به جنحه یا خلاف تبدیل شود. جهت مطالعه بیشتر در مورد کیفرزدایی و انواع آن. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد اشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵/۱۰۵

۳. قضازدایی (La déjuridiciarisation) به معنای خارج کردن فرد مظنون از فرایند رسیدگی قضایی کیفری بوده که ممکن است در هر مرحله‌ای از جریان رسیدگی صورت گیرد. رجوع کنید: علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۴۱/۱۳۷۷

از جرائم مذکور در قانون جزای پیشین - به مانند تگدی‌گری، ولگردی و توهین به مقام سلطنت - جرم‌زدایی صورت گرفت و کیفر بسیاری از جرائم همچون دو همسری (م ۲۰-۴۳۳)، تعرض جنسی نسبت به صغار زیر ۱۵ سال، بدون خشونت، اجبار، تهدید و غافلگیری (م ۲۵-۲۲۷)، به نمایش گذاشتن عملی جنسی در ملاعام (م ۳۲-۲۲۲) و ازدواج‌های واقع شده بدون انجام مراحل ثبتی (م ۲۱-۴۳۳) به نحو قابل ملاحظه‌ای مورد تعدیل واقع شد (پرادل، ۱۳۷۳: ۱۳۱).

با وجود مؤلفه‌های مذکور، نوع و شیوه جرم‌انگاری برخی از جرایم علیه منافع عمومی مردم به طور کلی متفاوت با تحولات اساسی حقوق کیفری در دهه‌های اخیر بوده است. بسیار بیش از آن می‌زان که دولت‌ها در قلمرو مسائل شخصی و یا اخلاقی، به جهت رعایت آزادی‌های افراد اجتماع، راهبردی عقب‌نشینی و عدم مداخله را در پیش گرفته‌اند، در حوزه اعمال ضرر بار امنیتی، به خاطر ایجاد ثبات در نظم عمومی و حاکمیت سیاسی، به جرم‌انگاری حداکثری روی آورده‌اند. تشخیص و تبیین جلوه‌های جرم‌انگاری تهاجمی و روش‌های مورد استفاده در این راستا در قلمرو حقوق کیفری ماهوی می‌تواند این مدعا را به اثبات نزدیک سازد.

حضور جلوه‌هایی از سیاست گسترش طلب حقوق کیفری فرانسه در قلمرو جرایم علیه امنیت را نباید در تعارض با اندیشه‌های مبنایی نظام‌های لیبرال ارزیابی نمود. در حقیقت اگر چه لیبرالیسم به حسب ماهیت وجودی و اصول نظری خویش، اعتقادی به جرم‌انگاری حداکثری ندارد لیکن واقعیت‌های عملی جامعه، ضرورت ایجاد دولتی مقتدر با کارکردهای امنیتی را در این زمینه منطقی و عقلانی جلوه داده است (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۶۹). از طرف دیگر در مباحث راجع به اصول مشروعیت دهنده به جرم‌انگاری جرائم، اصل «ضرر» در ایدئولوژی لیبرال، به‌عنوان توجیه‌کننده اصلی مداخله دولت در محدود کردن آزادی افراد از طریق مداخله حقوق کیفری معرفی می‌گردد. از این رو «جان استوارت میل»^۱ معیار مزبور را با این عبارات بیان می‌کند که تنها هدفی که برای آن می‌توان در عضوی از اعضای یک جامعه متمدن، بر خلاف میل او اعمال نمود، جلوگیری از ایراد صدمه و ضرر به دیگران است (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۲۹).

اگر چه سخن وی در این باره مبهم ارزیابی می‌شود، اما با تفاسیر متعددی که درباره مفهوم ضرر و صدمه به دیگران از سوی سایر همفکران وی ابراز شد، معلوم گردید که قلمروهای مربوط به حفظ امنیت عمومی و تأمین امنیت حاکمیت، به طور قطع و یقین داخل در تعابیر «میل» از «صدمه» و «ضرر به دیگران» می‌باشد. از این رو «جان ریز»^۲ مقصود از ایراد صدمه به دیگران در کلام «جان استوارت میل» را ضرر رساندن به منافع سایرین می‌داند و در این راستا اضافه می‌کند

1. John Stuart Mill
2. John Rees

که انسان می‌تواند اشتراک منافی میان خودش و اجتماعی انسانی که او جزئی از آن است را به دست آورد؛ به این صورت که هر رفتاری که امنیت جامعه را به طور کلی تهدید نماید، برای خود او نیز تهدید کننده باشد (گری، ۱۳۷۹: ۱۰۱). برخی دیگر از نویسندگان مبنای ضرر را برای به‌کارگیری سیاست کیفری در قلمروهای آسیب به احساسات، نقض منافع، آسیب‌هایی که سلامت جمعی را به خطر می‌اندازد و نیز نقض برخی منافع حکومت دانسته‌اند (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۳۰).

نگارنده در این مقاله در تلاش است تا راهکارهایی را که چنین جرم‌انگاری حداکثری در حقوق کیفری فراهم نموده با ذکر مثال معرفی نماید. در واقع مقصود از جرم‌انگاری توسعه‌گرا یا حداکثری، فرایندی است که طی آن قانونگذار با تکیه بر روش‌های مختلفی بر آن است تا شمول و دامنه جرم‌انگاری را در جرایم مهم گسترش قابل ملاحظه‌ای بدهد. ترسیم و تبیین این روش‌ها همان هدف مهمی است که از نگارش این مقاله انتظار می‌رود. بر این اساس با محور قرار دادن ارکان سه گانه جرم به‌عنوان محل تقسیم مطالب، راهکارهای مرتبط با هر کدام از ارکان به ترتیب در ادامه تشریح خواهد شد.

الف: راهکارهای مرتبط با رکن قانونی

برخی از راهکارها مرتبط با رکن قانونی می‌باشند. در واقع رکن قانونی، محل اجرای سیاست‌های کیفری مورد نظر مقنن می‌باشد تا آنجا که کیفیت حضور سایر ارکان مجرمانه - مادی و روانی - نیز از نحوه تبیین وصف مجرمانه در رکن قانونی آشکار می‌گردد. بررسی متون قانونی ناظر بر اوصاف مجرمانه در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که تبیین بخش مهمی از تأمین سیاست کیفری تهاجمی بر عهده‌ی رکن قانونی قرار داده شده است.

۱. طرح اصطلاحات خاص و مرتبط ساختن آن با جرم‌انگاری برخی جرایم

پاره‌ای از کشورها با استفاده از اصطلاحات جدید، تلاش خود را در راستای توسعه‌ی دامنه جرم‌انگاری برخی جرائم به‌کار بسته‌اند. برای مثال قانون مجازات عمومی مصوب ۱۹۹۲ فرانسه با استفاده از این راهکار دامنه‌ی جرم‌انگاری جرائم جاسوسی و خیانت به کشور را به شکل قابل ملاحظه‌ای توسعه داده است. اگر تا پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات جدید فرانسه، جرایم فوق‌الذکر تنها محدود به دامنه‌های سیاسی و امنیتی بوده است لیکن در قانون مجازات عمومی جدید، دامنه این جرایم به قلمروهای علمی، فرهنگی، اقتصادی و نیز محیط زیست توسعه یافته است. قانونگذار در همین راستا به جای عنوان «تعرض بر امنیت دولت» از عنوان «لطمات علیه منافع اساسی ملت» استفاده نموده و به شکل قابل ملاحظه‌ای، دامنه جرم‌انگاری جرایم جاسوسی و

خیانت به کشور را گسترش داده است. ماده ۱-۴۱۰ قانون مجازات فرانسه، در مقام تدوین و تشریح منافع اساسی ملت چنین مقرر داشته است: «منافع اساسی ملت به معنایی که در مقررات این عنوان به کار رفته، شامل حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، حفظ امنیت کشور، حفظ شکل جمهوری نهادهای آن، حفظ وسایل دفاعی کشور، حفظ دیپلماسی کشور، حفظ و حمایت از افراد جامعه در داخل یا خارج، تأمین ثبات و تعادل در محیط طبیعی و محیط زیست کشور و نیز حفظ و حمایت از اصول اساسی توانایی ملت در امور علمی، اقتصادی و میراث فرهنگی است». مهمترین استدلالی که برخی از حقوقدانان فرانسوی پیرامون ضرورت تغییر فوق مطرح ساخته‌اند همانا تأمین بهتر منافع اساسی مردم در قلمروهای مختلف از طریق توسعه عنوان مجرمانه می‌باشد (Leclerc, 1994 : 222). با توجه به طرح چنین اصطلاحی از قانونگذار فرانسوی است که در حقوق این کشور، پیرامون دامنه شمول جرایم مهم علیه امنیت اختلاف نظری مشاهده نمی‌گردد. بر عکس چنین وضعیتی در حقوق کیفری ایران وجود دارد. از آنجا که مقنن در موارد قانونی جاسوسی سیاست کیفری صریح و مشخصی را به کار نبرده است، پیرامون شمول مقررات ناظر بر جاسوسی همواره اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال برخی از نویسندگان حقوقی مقصود قانونگذار از عبارت «نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور» را شامل تمام آن چیزی دانسته‌اند که به اداره حکومت مربوط می‌شود و از این رو افشای یک تصمیم محرمانه اقتصادی را نیز مشمول ماده ۵۰۱ ق.م.ا. دانسته‌اند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۷۸). در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان مقصود قانونگذار از عبارت مذکور را صرفاً ناظر بر سیاست‌هایی دانسته‌اند که مربوط به امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد (زرعت، ۱۳۷۷: ۳۷۵). تفسیر نخست اگر چه با سیاست کیفری توسعه‌گرایانه‌ای که در مقررات سایر کشورها در این زمینه دنبال می‌شود دارای انطباق است لیکن تا زمانی که قانونگذار به ماهیت و انواع موضوعات آن به مانند مقررات جزایی دیگر کشورها اشاره نکند، نمی‌توان مانع از طرح تفاسیر متعدد دیگر در این زمینه شد. مهم در این زمینه آن است که قانونگذار فرانسوی با طرح ایده‌ی جدیدی در زمینه جرایم علیه امنیت توانسته است توسعه جرم‌انگاری را در این زمینه ایجاد نماید. طرح عنوان «منافع اساسی ملت» در بسیاری از جرایم مهم علیه امنیت به مانند جاسوسی، خیانت به کشور و نیز جرایم تروریستی، سبب گردیده تا دامنه‌ی وقوعی این جرایم تا قلمروهای مختلف امنیتی گسترش یابد. با تکیه بر همین بسط دامنه جرم‌انگاری است که تخریب آثار هنری و فرهنگی می‌تواند به عنوان مصداقی از جاسوسی و خیانت به کشور در حقوق فرانسه قلمداد گردد در حالی که تا پیش‌تر از آن کمتر چنین تلقی از گستردگی بزه جاسوسی در این کشور و یا سایر کشورها وجود داشته است.

۲. پذیرش جرم‌انگاری های جدید

از جمله راهکارهایی که می‌توان باتکیه بر آن زمینه توسعه و گسترش دامنه جرم‌انگاری رافراهم کرد، اقدام به جرم‌انگاری‌های جدید در جرایمی است که ضرورت آن‌ها از سوی قانونگذار احساس می‌شود. رویکردی که حقوق کیفری فرانسه در جرایم جاسوسی و نیز جرایم تروریستی از آن بهره برده است. از این رو قانون جزای فرانسه از این رو قانون جزای فرانسه علاوه بر این که تحصیل و تسلیم اطلاعات و اسناد به قدرت خارجی و یا عوامل آن‌ها را به عنوان مصداقی از جاسوسی دانسته است (موضوع مواد ۴۱۱-۶ و ۴۱۱-۷). اشتغال به یک فعالیت به جهت دریافت یا ارائه اطلاعات به نفع قدرت خارجی (موضوع ماده ۴۱۱-۸) و نیز فراهم نمودن اطلاعات نادرست برای مقامات مسئول (موضوع ماده ۴۱۱-۱۰) را به عنوان مصداق جدید جاسوسی مطرح نموده است.

علاوه بر این قانونگذار فرانسه در راستای سیاست کیفری خود مبنی بر توسعه جرم‌انگاری جرایم تروریستی و نیز افزایش مجازات جرائم مزبور در مقابله با افزایش اعمال تروریستی، از سال ۱۹۹۶ تاکنون، اقدام به جرم‌انگاری‌های جدیدی نموده است. در ابتدا در سال ۱۹۹۶ تروریسم ناشی از اجتماع بزه‌کاران، که در قانون جزای ۱۹۹۴ پیش بینی نشده بود را در ماده ۲-۱-۴۲۱ مطرح نمود. علاوه بر این، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، قانونگذار ضرورت مبارزه با افرادی را که در راستای ارتکاب اعمال تروریستی سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی می‌کنند را احساس نمود و به همین دلیل به تهیه و تدوین ماده ۲-۲-۴۲۱ اقدام کرد. در سال ۲۰۰۳ نیز قانونگذار پا را فراتر از محدوده‌های پیشین نهاد و ضرورت برخورد با اعمال تروریستی را بر رعایت اصل برائت ترجیح داد و بر این اساس نسبت به عدم توجیه منابع مالی از سوی افرادی که با مجرمین تروریستی ارتباط مستمر داشته‌اند، ضمانت اجرای مشخصی را تعیین نمود.

۳. به‌کارگیری قیود حداقلی تقنینی

یکی دیگر از راه‌کارهای توسعه دهنده دامنه جرم‌انگاری جرایم می‌تواند استفاده مقنن از کمترین قیود جهت توصیف عمل مجرمانه باشد. در واقع در این روش ضمن بهره‌مندی از جامعیت مطلوب متون تقنینی، مقنن بر آن است تا دامنه جرم‌انگاری جرم را با به‌کارگیری قیود متعدد با محدودیت مواجه نسازد. تحلیل برخی از مواد قانونی ناظر بر جرایم علیه امنیت در حقوق فرانسه و مقایسه آن با مصداق مشابه در حقوق ایران به راحتی می‌تواند ضرورت توجه به چنین سیاست کیفری را آشکار سازد. در حقوق کیفری فرانسه و بر اساس ماده ۱۰-۴۱۳، تحقق بی‌مبالاتی از سوی هر فردی که عرفاً امین تلقی گردیده و بی‌مبالاتی او به آشکار شدن اسرار دفاعی کشور منتهی گردد را مشمول کیفر دانسته است.

از این رو هر فردی که خواه از طرف دولت و یا به دلیل حرفه خود امین دانسته شده با بی‌مبالاتی خود زمینه افشای اسرار اطلاعاتی کشور را فراهم نماید در حقوق فرانسه به‌عنوان یکی از جرایم علیه دفاع ملی قابل مجازات دانسته شده است. از این روست که برخی از نویسندگان حقوقی فرانسه، مهندس تعمیرکاری را که در بخش خصوصی فعالیت می‌کرده و جهت تعمیر و بازدید برخی از اشیاء اقدام نموده است و از این طریق نسبت به برخی از اسناد اطلاعاتی را به دست آورده را در صورت بی‌مبالاتی مشمول کیفر موضوع ماده ۱۰-۴۱۳ قلمداد کرده‌اند (Bouloc et Mayaud, 1996: 653). این در حالی است که سیاست کیفری ایران در این زمینه کاملاً بر عکس بوده است. به‌کارگیری قیود متعدد در تدوین ماده ۵۰۶ ق.م.ا(بخش تعزیرات)، دامنه جرم‌انگاری این جرم را بسیار محدود نموده است. نخست آن که در حقوق کیفری ایران ارتکاب این جرم به تصریح مقنن به مأمورین دولتی که رابطه استخدامی با دولت داشته و علاوه بر این در زمان ارتکاب جرم، مشمول حفاظت اطلاعات بوده‌اند محدود گردیده است. دوم آن که قانونگذار تحقق بی‌مبالاتی از سوی مرتکب جرم را برای تحقق عمل مجرمانه کافی ندانسته بلکه لازم است که مأمور دولتی از سوی گیرنده اطلاعات مورد تخلیه اطلاعاتی واقع گردد و سوم آن که انجام تخلیه اطلاعاتی نیز لازم است از سوی دشمن صورت گرفته باشد. پر واضح است که به‌کارگیری چنین قیود متعددی تا چه میزان می‌تواند دامنه وقوعی این جرم را محدود نماید. این در حالی است که قانونگذار در ماده ۲۷ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تحقق این جرم از سوی نظامیان را محدود به تخلیه اطلاعاتی از سوی دشمنان ننموده و دامنه وقوعی این جرم را توسعه داده است.

در این باره مثال دیگری را نیز می‌توان در حقوق کیفری فرانسه مطرح کرد. «همدستی با یک قدرت خارجی» نیز به‌عنوان یکی از مصادیق جاسوسی در ماده ۴-۴۱۱ مورد پذیرش قرار گرفته است. قانونگذار فرانسه در این زمینه مقرر کرده است: «همدستی با یک قدرت، شرکت، سازمان و مؤسسه خارجی و یا تحت کنترل خارجی و یا عوامل آنها به قصد ایجاد دشمنی یا به قصد انجام اعمال خشونت آمیز علیه فرانسه دارای مجازات تا ۳۰ سال حبس جنایی و نیز تا ۴۵۰ هزار یورو جزای نقدی می‌باشد».

بیان مقنن در ماده فوق‌الذکر سبب گردیده تا مشمول جرم مزبور شامل هر فرد یا گروهی شود که علیه منافع کشور فرانسه اقدام به همدستی با هر سازمان یا مؤسسه و یا قدرت خارجی نماید. گستردگی این وضعیت را می‌توان در مقایسه با سیاست کیفری ایران در وضع ماده ۵۰۸ ق.م.ا(بخش تعزیرات) به خوبی مشاهده کرد. به‌کارگیری دو قید «دولت» و «متخاصم» در تدوین ماده ۵۰۸ در این زمینه بسیار مهم ارزیابی می‌گردد. از یک طرف به‌کارگیری اصطلاح «دولت» سبب می‌شود تا همکاری با سازمانهای خارجی مشمول ماده قانونی مذکور واقع نگردد. به جهت

پرهیز از چنین محدودیتی بوده که قانونگذار فرانسوی از عبارت «قدرت یا سازمان خارجی یا عوامل آنها» در مواد قانونی متعدد ناظر بر جاسوسی استفاده کرده است. از طرف دیگر قانون جزای فرانسه، دامنه شمول تحقق این جرم را تنها به دولت هایی که دارای روابط خصمانه با این کشور هستند، محدود نکرده است. این محدودت به دلیل به کارگیری قید «متخاصم» در ماده ۵۰۸ ق.م.ا در حقوق کیفری ایران وجود دارد.

۴. به کارگیری الفاظ تقنینی ابهام زا

از دیگر روش هایی که می تواند زمینه جرم انگاری تهاجمی یا توسعه گرایانه را فراهم سازد، استفاده مقنن از الفاظ تقنینی ابهام زاست. در واقع می توان چنین بیان کرد که افزون بر قواعد جرم انگاری، نوع و روش قانونگذاری نیز می تواند در عمل زمینه ساز توسعه عناوین مجرمانه در حقوق کیفری باشد. بکارگیری این روش به مجریان قانون اجازه می دهد تا با توجه به ابهام تقنینی موجود، برداشت خود را در تطابق ماده قانونی مورد عمل قرار دهند. از این روست که بسیاری از حقوقدانان استفاده مقنن از الفاظ مبهم و غیرواضح را ناقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها دانسته اند (Desportes et Le Gunehec, 2008: 125).

در حقوق کیفری ایران در بسیاری از مواد قانونی، قانونگذار به دلیل استفاده از عناوین کلی و ابهام زا، زمینه توسعه در دامنه شمولی مواد قانونی را فراهم آورده است. ابهامات تقنینی موجود در مواد ۵۰۰ (تبلیغ علیه نظام)، ۵۱۵ (سوء قصد به جان مقامات سیاسی)، وینر ۶۳۸ (روابط نامشروع) در زمره این موارد محسوب می گردد. در زمینه بزه تبلیغ علیه نظام، هر چند برخی از حقوقدانان استمرار و گستردگی تبلیغ را از شرایط تحقق ماده قانونی مربوطه دانسته اند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳: ۵۰۰)، لیکن به دلیل عدم تعریف اصطلاح فعالیت تبلیغی، قضات در عمل چندان الزامی به رعایت شرایط ایجاد شده احساس نمی کنند. عدم ارائه تعریفی صریح و روشن درباره مفهوم سوء قصد، حقوقدانان و رویه قضایی را با پرسشی درباره رکن مادی این جرم مواجه ساخته است. اصلی ترین ابهام در این باره مربوط به انطباق مفهوم سوء قصد با مراحل ارتکاب جرم می باشد. درباره این که مفهوم مجرمانه سوء قصد با کدام مرحله از مراحل ارتکاب جرم انطباق دارد، سه دیدگاه متفاوت وجود دارد. توجه به برخی از مقررات تصویب شده در دوران پیش از انقلاب - مانند ماده ۳۱۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش - تمایل برخی از حقوقدانان را بر آن داشته تا مفهوم سوء قصد را با منطبق با مرحله شروع به جرم تلقی نمایند (سپهوند، ۱۳۷۶: ۳۲). برخی دیگر از حقوقدانان با تشریح مراحل چهارگانه ارتکاب جرم، سوء قصد را منطبق با مراحل عملیات مقدماتی و شروع به

اجرا دانسته‌اند (پیمانی، ۱۳۷۰: ۸۷). دیدگاه سوم نیز با تکیه بر معنای عرفی سوءقصد، آن را به‌عنوان مصداقی از جرم عقیم ارزیابی کرده است.

در واقع عدم ارائه تعریف قانونی درباره مفهوم سوءقصد به همراه عدم وجود اتفاق نظر دکترین حقوقی در این زمینه می‌تواند زمینه بروز آرای متفاوت در موضوعات یکسان و مشابه را در روبه قضایی ایجاد نماید. در حقوق کیفری فرانسه نیز مقررات تروریسم همواره با ابهامات متعددی روبرو بوده است. از سال ۱۹۸۶ که قانونگذار با تکیه بر مبنای ذهنی - قصد ارباب و ترور - نخستین مقررات خود را در این زمینه مطرح کرد تا امروزه که ماده ۱-۴۲۱ قانون جزای فرانسه به تبیین جرایم تروریستی ناشی از جرایم عمومی پرداخته است، همواره بکارگیری الفاظی چون «طرح هماهنگ»، «ارباب» و «ترور» از سوی قانونگذار در ماده فوق‌الذکر، از یک طرف استنباط‌های مختلفی را در میان حقوقدانان ایجاد کرده و از طرف دیگر انتقاد برخی از حقوقدانان را به جهت نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها برانگیخته است (Pradel et Danti - Juan, 2001: 763).

ب: راهکارهای مرتبط با رکن مادی جرم

پاره‌ای از راهکارهایی که امروزه در برخی از کشورها از آن استفاده می‌شود به اجزاء رکن مادی مربوط می‌گردد. در این قسمت توقیف عمل مجرمانه در عنصر مادی جرم به شکلی انجام می‌گردد و تا بیشترین شمول را در عمل به همراه داشته باشد.

۱. تغییر در موضوع جرم

در زمره مواردی که می‌تواند دامنه شمول جرایم را تا حدود بسیاری افزایش دهد تغییر در موضوع جرایم است. تحولات تقنینی ناظر بر برخی از جرایم نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها از چنین راهکاری استفاده نموده‌اند. قانون مجازات جدید فرانسه با تکیه بر همین روش دامنه پاره‌ای از جرایم مهم امنیتی را توسعه قابل ملاحظه‌ای داده است. قانون جدید فرانسه تغییر قابل ملاحظه‌ای را در خصوص موضوع بزه جاسوسی و خیانت به کشور که تاکنون صرفاً شامل اطلاعات طبقه بندی شده می‌شد، داده است. نخست آن که لزوم طبقه بندی بودن اطلاعات را حذف نموده و علاوه بر این از اصطلاح «اشیاء» در کنار «اطلاعات» استفاده نموده است. توضیح بیشتر آن که در ماده ۷-۴۱۱ قانونگذار علاوه بر این که درباره موضوعات این جرم به اسناد و اطلاعات اشاره می‌کند، به موازات آن از اصطلاح اشیا نیز بهره گرفته است. بر همین اساس است که برخی از نویسندگان بر

اساس استفاده قانونگذار فرانسه از این اصطلاح، جمع‌آوری مواد منفجره یا اسلحه به قصد تسلیم به دشمن را نیز مصداقی از جاسوسی دانسته‌اند (الخانی، ۱۹۸۶: ۱۲۰).

سیاست کیفری ایران عکس‌چنین رویکردی را مورد پذیرش قرار داده و در مواد قانونی مرتبط با جاسوسی (مواد ۵۰۱، ۵۰۵ و ۵۰۵ ق.م.ا) موضوع این جرایم را صرفاً محدود به اطلاعات، اسناد و مذاکرات نموده است.

بررسی و تحلیل موضوع سرقت نیز می‌تواند مصداق دیگری در این زمینه محسوب گردد. موضوع سرقت بر اساس متون قانونی ناظر بر این جرم در ادوار مختلف قانونگذاری در حقوق ایران همواره در «مال» بوده است.

مال شیئی است که قابل تقویم به پول است. این در حالی است که شیئی اعم از مال و غیر آن می‌باشد. درباره این که برای تشخیص مفهوم مال الزاماً باید به ضوابط و معیارهای حقوق مدنی مراجعه نمود، اتفاق نظری در میان حقوقدانان وجود ندارد. در واقع پرسش اصلی در این زمینه آن است که آیا موضوع سرقت محدود به تعریف مال در حقوق مدنی بوده و یا اشیاء نیز می‌توانند در زمره موضوع سرقت قرار گیرند؟ در مقام پاسخ به این پرسش سه نظریه در حقوق کیفری ایران ارائه شده است:

۱. دیدگاه اول مبتنی بر این عقیده می‌باشد که در این زمینه معیار مالیت، همان دیدگاه حقوق مدنی است. این گروه اعتقاد دارند که جرم‌انگاری بزه سرقت در راستای حمایت و تنظیم منافع مالی اشخاص بوده و با توجه به این موضوع نقض غرض خواهد بود که منافع مالی را در حقوق مدنی به شیوه‌ی خاص تعریف کنیم و سپس آن را در حقوق کیفری نادیده بگیریم. توضیح بیشتر آنکه سرقت یک جرم رفتاری مطلق نیست که تحقق آن نیازمند ورود یک صدمه و زیان مستقیم نباشد بلکه جرم مزبور مقید به نتیجه‌ی خاصی است که عبارت از محرومیت مال‌باخته از منافع مالی خود می‌باشد که به رسمیت شناختن این منافع تنها بر مبنای ملاکات و معیارهای حقوق مدنی تشخیص داده می‌شود (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۵۱).

۲. دیدگاه دوم مربوط به کسانی است که مراجعه به حقوق مدنی را لازم ندانسته و وظیفه‌ی اصلی و مهم حقوق جزا را حفظ نظم عمومی در جامعه دانسته‌اند. در زمینه‌ی جرم‌انگاری سرقت نیز فلسفه‌ی تدوین مقررات مربوطه به این جرم را حفظ حقوق مالکیت بر اشیاء و اموال خود دانسته و تنها راه آن را جلوگیری از هرج و مرج و برقراری نظم عمومی معرفی کرده‌اند (آزمایش، ۱۳۷۵: ۳۰). دیدگاهی که با مصالح جامعه تطابق بیشتری داشته و مورد پسند نظام کیفری فرانسه نیز قرار گرفته است.

۳. دیدگاه سوم از آن کسانی است به راه حل بینابینی در این مسئله توجه داشته‌اند و رویه قضایی ایران نیز به آن متمایل است. دیدگاهی که اصل مراجعه به حقوق مدنی در تشخیص مال به‌عنوان موضوع سرقت را نفی نمی‌کند ولی اعتقاد دارد که دامنه‌ی شمول مال در حقوق مدنی با حیطه شمولی مال در سرقت متفاوت است. از اینرو در تشخیص مال موضوع سرقت بیشتر به ارزشمند بودن آن توجه دارند و دامنه‌ی آن ارزش می‌تواند شامل ارزش اقتصادی، ارزش روانی و عاطفی و یا خانوادگی باشد. از اینرو با آنکه اشیایی مانند آلبوم خانوادگی که ظاهراً دارای مالیت نمی‌باشند خود می‌تواند به‌عنوان موضوع سرقت واقع شوند. در واقع این اشیاء با آن که دارای ارزش اقتصادی نمی‌باشند لیکن از نظر معنوی بسیار با ارزش می‌باشند و از اینرو می‌توانند موضوع سرقت قرار گیرند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

در حقوق فرانسه با توجه به این که موضوع سرقت بر خلاف حقوق ایران، شیئی انتخاب گردیده بنابراین چنین اختلاف نظری مشاهده نمی‌گردد. علاوه بر این چنین رویکردی می‌تواند نظم عمومی جامعه را نیز به شکل شایسته‌ای تأمین نماید. از این رو در ماده ۱-۳۱۱ قانون مجازات فرانسه سرقت به «ربودن متقلبانه شیئی متعلق به دیگری» تعریف شده است.

این همان بیان قانون جزایی پیشین در ماده ۳۷۹ می‌باشد که چنین مقرر کرده بود: «ربودن متقلبانه شیئی که متعلق به سارق نباشد»^۱ از این روست که بر اساس آراء شعب جزایی دیوان عالی کیفری فرانسه، ربودن اموالی که نگهداری آنها ذاتاً مانند مواد مخدر جرم بوده نیز مشمول عنوان سرقت خواهد بود.^۲ رویکردی که در صورت پذیرش آن در حقوق کیفری ایران می‌تواند به تحقق بیشتر نظم عمومی جامعه کمک شایانی نماید.

۲. جرم‌انگاری جرایم به صورت مطلق

بر اساس مبانی حقوق کیفری جرایم از نظر ضرورت تحقق نتیجه حداقل به دو دسته مهم «مقید» و «مطلق» تقسیم می‌گردند. جرایمی که تحقق آنها منوط به حصول نتیجه مجرمانه بوده را جرایم «مقید» می‌نامند و نیز جرایمی که تحقق آن جرایم نیازمند تحقق نتیجه مجرمانه نمی‌باشد جرایم «مطلق» نام گرفته است. امروزه در مقام تدوین قوانین کیفری قانونگذاران از این دسته‌بندی فوق، جهت توسعه دامنه شمولی برخی از جرایم مهم و اساسی بهره می‌برند. جرایمی که برای مقنن دارای اهمیت بسیار بوده و تحقق آنها بدون نیاز به نتیجه مجرمانه توصیف مجرمانه نموده و در زمره جرایم مطلق تعیین می‌کند. در مقابل تحقق جرایمی که از اهمیت کمتری برخوردار بوده

1. Art. 379 A.C.P.: "Quiconque a soustrait frauduleusement une chose qui ne lui appartient pes est coupable de vol"

2. Crim. 5 nov. 1985: Bull. Crim., N. 120

است را نیازمند تحقق رکن نتیجه جرم دانسته تا به مخاطبان کیفری این پیام را منتقل سازد که آنها در زمره جرایم مقید قرار دارند.

نکته مهم در این زمینه آن است که توصیف جرایم به شکل عدم تقید به نتیجه و یا جرم‌انگاری آنها به صورت مطلق، دامنه شمولی آن جرایم را توسعه می‌دهد و نیز تبیین وصف مجرمانه به شکل مقید به نتیجه، دامنه شمولی آن جرایم را محدود می‌سازد. در واقع هنگامی که جرم به شکل مطلق بوده و تحقق نتیجه مجرمانه تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم مزبور نداشته باشد، مجربان قانون نیز ضرورتی بر اثبات تحقق نتیجه مجرمانه نداشته و به صرف ارتکاب عمل از سوی مرتکب و نیز تحقق رکن روانی مورد نیاز آن جرم، حکم به تحقق آن جرم خواهند داد. در مقابل وقتی توصیف مجرمانه جرایمی از سوی مقنن به شکل مقید بوده و تحقق آن جرایم منوط به تحقق نتیجه مجرمانه باشد، دادگاه‌ها علاوه بر اثبات ارتکاب عمل از سوی مرتکب، نیازمند اثبات تحقق نتیجه مجرمانه مورد نظر مرتکب نیز خواهند بود. با تکیه بر همین تفاوت است که سیاست کیفری کشورهای مختلف در دهه‌های اخیر به این سمت و سوی بوده است که جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت اغلب به شکل مطلق وضع گردیده و در مقابل جرم‌انگاری جرایم علیه اموال و اشخاص اغلب به شکل مقید صورت گرفته است.

۴. جرم‌انگاری معاونت در جرم به شکل مستقل

از دیرباز، معاونت در جرم بر مبنای رویکرد «عاریه‌ای» یا «استقلالی» مورد پذیرش نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. اکثریت کشورها جرم‌انگاری عمل معاون را بر مبنای رویکرد عاریه‌ای مورد پذیرش قرار داده‌اند که در نتیجه جرم را از نظر حقوقی برای حقوق کیفری آن کشورها به همراه داشته است. نخست آن که تا زمانی که عمل مباشر شروع نشده عمل معاون قابل مجازات نمی‌باشد و دیگر آن که عمل معاون زمانی قابل مجازات است که عمل مباشر دارای وصف مجرمانه باشد. در واقع بر مبنای دیدگاه عاریه‌ای، عمل معاون وصف مجرمانه را به صورت کامل از مباشر جرم عاریه گرفته و به تنهایی قابل مجازات نمی‌باشد. به عبارت دیگر بر مبنای این رویکرد عمل معاونی که مباشر جرم آن اقدام به شروع آن جرم ننموده و یا اساساً فاقد وصف مجرمانه بوده علی‌الاصول قابل مجازات نخواهد بود. از آنجا که وجود چنین نتیجه‌ای برای کشورها نسبت به برخی از جرایم مهم قابل تحمل نبوده است، قانونگذاران را بر آن داشته تا در مواردی جرم‌انگاری معاونت در جرم را به شکل مستقل و صرف نظر از عمل مباشر قابل مجازات بدانند. در واقع در این روش بدون آن که قانونگذار رویکرد کلی خود را نسبت به پذیرش رویکرد عاریه‌ای تغییر دهد، در جرایم مهم تمایل به پذیرش نظریه استقلال از خود نشان می‌دهد. چنین رویکردی که در جرم‌انگاری جرایم علیه

اشخاص و اموال کشورهای مختلف به صورت استثنایی مورد توجه قرار گرفته است، امروزه در جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت برخی کشورهای اروپایی به شکل یک رویه معمول و غالب درآمدی است. برای مثال در حقوق کیفری فرانسه قانونگذار در ماده ۱۱-۴۱۱ تحریک به جرایم جاسوسی را به شکل مستقل قابل مجازات دانسته است.

ماده فوق‌الذکر چنین مقرر می‌دارد: «تحریک مستقیم به ارتکاب یکی از جرایم پیش‌بینی شده، در این بخش از طریق دادن وعده، هدیه، اعمال فشار، تهدید یا خشونت در صورتی که تحریک، به علت شرایط مستقل از اراده مرتکب، نتیجه‌ای نداشته باشد تا ۷ سال حبس جنحه‌ای و تا یکصد هزار یورو جزای نقدی خواهد مجازات خواهد شد». قانونگذار در این جرم برای تحریک به جرایم جاسوسی و خیانت به کشور صرف‌نظر از نتیجه مجرمانه، مجازات مستقل تعیین کرده است.^۱ این مجازات زمانی اعمال خواهد شد که انجام عمل تحریک، مشمول عنوان مستقل مجرمانه دیگری قرار نگیرد (Bouloc et Mayaud, 1996: 635).

در راستای سیاست کیفری فوق، قانونگذار فرانسه همچنین بر اساس قانون شماره ۱۰۶۲-۲۰۰۱ در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱، حمایت مالی از اقدامات تروریستی را نیز بزه تروریستی تلقی کرده است. ماده ۲-۲-۴۲۱ قانون جزای فرانسه در این زمینه مقرر کرده است: «حمایت مالی از اقدام تروریستی از طریق فراهم نمودن، جمع‌آوری و یا اداره کردن بودجه، وجوه و یا اموال و نیز راهنمایی کردن در همین راستا با علم به این که تمام یا قسمتی از این بودجه، وجوه یا اموال در جهت ارتکاب یکی از اعمال تروریستی پیش‌بینی شده در این بخش استفاده گردیده و یا اختصاص به استفاده در این زمینه خواهد داشت، صرف‌نظر از تعیین نوع عمل ارتكابی احتمالی، عمل تروریستی محسوب می‌گردد».^۲

حمایت از اقدام تروریستی که قانونگذار فرانسه می‌توانست مشمول عنوان معاونت در تروریسم قلمداد نماید، با اتخاذ سیاست گسترش دامنه جرم‌انگاری، مشمول عنوان مجرمانه مستقل ارزیابی می‌کند تا هر گاه حمایت مالی صورت گرفته منجر به اقدامات تروریستی نگردد نیز به صورت مستقل قابل مجازات باشد.

1. Art 411-11 C.P.: "Le fait, par promesses, offres, pressions, menaces ou voies de fait, de provoquer directement à commettre l'un des crimes prévus au présent chapitre lorsque la provocation n'est pas suivie d'effet en raison de circonstances indépendantes de la volonté de son auteur, est puni de sept ans d'emprisonnement et de 100 000 euros d'amende".

2. Art. 421-2-2 C.P.: "Constitue également un acte de terrorisme le fait de financer une entreprise terroriste en fournissant, en réunissant ou en gérant des fonds, des valeurs ou des biens quelconques ou en donnant des conseils à cette fin, dans l'intention de voir ces fonds, valeurs ou biens utilisés ou en sachant qu'ils sont destinés à être utilisés, en tout ou parite, en vue de commettre l'un quelconque des actes de terrorisme prévus au présent chapitre, indépendamment de la survenance éventuelle d'un tel acte."

اگر چه چنین رویکرد جامع و کلی در سیاست کیفری ایران مشاهده نمی‌گردد لیکن به صورت پراکنده در مواد قانونی مختلفی ۶۲۲ (راهنمایی به سقط جنین) و ۵۱۲ (تحریک به جنگ و قتال) چنین رویکردی قابل مشاهده می‌باشد.

۵. جرم‌انگاری اعمال مقدماتی

جرم‌انگاری اعمال مقدماتی در زمره راهکارهایی است که قانونگذار می‌تواند با تکیه بر آن دامنه جرم‌انگاری جرایم را توسعه قابل ملاحظه‌ای دهد. در حالی که در بسیاری از جرایم علیه اموال و اشخاص، مرحله سوم ارتکاب جرم (شروع به اجرا) نیز محل تردید جهت اعمال مجازات از سوی قانونگذار دانسته شده است، لیکن سیاست کیفری برخی از کشورها در زمینه جرایم علیه امنیت تمایل به جرم‌انگاری مرحله دوم ارتکاب جرم (اعمال مقدماتی) داشته است. قانون جزای فرانسه برای نخستین بار در سال ۱۹۹۴، اشتغال به یک فعالیت جهت دریافت یا ارائه اطلاعات را در راستای منافع قدرت خارجی که به‌عنوان بزه جاسوسی تلقی کرده است. ماده ۷-۴۱۱ قانون جزای فرانسه در این راستا مقرر کرده است: «اشتغال مرتکب به یک فعالیت به منظور این که برای یک قدرت، شرکت و یا سازمان خارجی و یا تحت کنترل خارجی و یا عوامل آن‌ها وسایل، اطلاعات، روش‌ها، اشیاء، اسناد، داده‌های کامپیوتری و ضبط شده را تسلیم و یا دریافت نماید به طوری که استفاده، افشاء و یا اجتماع آن‌ها ذاتاً برای منافع اساسی ملت فرانسه مضر باشد، به مجازات تا ۱۰ سال حبس جنحه‌ای و تا ۱۵۰ هزار یورو جزای نقدی محکوم خواهد شد». به نظر می‌رسد قانونگذار با ایجاد یک جرم مانع، پیشگیری از وقوع جرم اصلی را مد نظر داشته است (Bouloc et Mayaud, 1996: 632). در حقوق فرانسه جرم‌انگاری بزه شرکت در اجتماع بزهکاران (موضوع ماده ۱-۴۵۰) نیز در همین راستا صورت گرفته است.

در حقوق کیفری ایران و در قانون مجازات اسلامی پیشین، جرم‌انگاری برخی از جرایم مانند طرح براندازی حکومت اسلامی (موضوع ماده ۱۸۷) و نیز نامزدی پست حساس کودتا (موضوع ماده ۱۸۸) در همین راستا بوده است. رویکردی که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با حذف مواد ۱۸۷ و ۱۸۸ فوق‌الذکر تا حدودی از آن فاصله گرفته است. با این وجود سیاست کیفری جرم‌انگاری اعمال مقدماتی به هدف توسعه دامنه جرم‌انگاری جرایم، همچنان در حقوق کیفری ایران قابل مشاهده است. در این راستا می‌توان به جرایمی همچون تشکیل یا اداره جمعیت به قصد برهم زدن امنیت عمومی (موضوع ماده ۴۹۸ ق.م.ا) و نیز ورود به اماکن امنیتی به جهت سرقت اطلاعات (موضوع ماده ۵۰۳ ق.م.ا) اشاره کرد.

ج: راهکارهای مرتبط با رکن روانی جرم برخی از راهکارهایی را که سیاست کیفری کشورها در راستای توسعه دامنه جرم‌انگاری جرایم مهم بر آن تکیه می‌کنند، در ارتباط با رکن روانی جرم بوده است. در این میان از یک سو در مواردی در توصیف رکن روانی جرم اکتفا به سوءنیت عام شده (۱) و در مواردی ارتکاب جرایم به صورت غیر عمدی مورد پذیرش قرار گرفته است (۲) راهکارهایی که در ادامه مقاله به آن پرداخته شده است.

۱. جرم‌انگاری با اکتفا به سوءنیت عام

رکن روانی در همه‌ی جرایم دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و غالباً اثبات آن تأثیری عمده در محکومیت احتمالی متهم خواهد داشت. رکن معنوی می‌تواند در قالب اجزایی به مانند سوءنیت عام، سوءنیت خاص و انگیزه مورد تحلیل قرار گیرد. آن چه در این قسمت مورد تأکید است آن که به میزانی که جرم‌انگاری تمایل به توسعه پذیری از خود نشان می‌دهد به همان میزان سهم خود را از اجزاء رکن روانی کاهش می‌دهد. امروزه در قلمرو جرم‌انگاری امنیت مدار که دارای مشخصه جرم‌انگاری تهاجمی و توسعه طلب می‌باشد و در حیطه جرم‌انگاری جرایم مهم تنها به لزوم تحقق سوءنیت عام می‌گردد تا شمول بیشتری را در عمل در بر بگیرد. جهت درک بیشتر این نکته مهم، و مقایسه سیاست کیفری ایران و فرانسه در زمینه جاسوسی بسیار مهم ارزیابی می‌گردد.

مهمترین پرسش در زمینه رکن معنوی جاسوسی در حقوق کیفری ایران و فرانسه آن است که کدام یک از اجزاء رکن روانی در تحقق این بزه شرط می‌باشد؟ آیا قانونگذار برای تحقق این جرم علاوه بر سوءنیت عام - که طی آن مرتکب با علم به موضوع انجام رفتاری را بر اساس اراده آزاد خود خواستار می‌شود - وجود سوءنیت خاصی را هم ضروری دانسته است؟ برای پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد باید دیدگاه حقوق کیفری ایران و فرانسه را جداگانه مورد بررسی قرار داد. در حقوق کیفری ایران و با توجه به نحوه تدوین مقررات قانون مجازات اسلامی و نیز قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح باید بر این اعتقاد بود که در ارتباط با جرائم جاسوسی، وجود سوءنیت عام و خاص هر دو ضروری می‌باشد. از این رو در ارتباط با جرم جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده (موضوع ماده ۵۰۵ ق.م.ا) علاوه بر سوءنیت عام وجود سوءنیت خاص - قصد بر هم زدن امنیت عمومی - ضروری می‌باشد. درباره انتقال اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت (موضوع ماده ۵۰۱ ق.م.ا) نیز علاوه بر ضرورت اقدام عمدی مرتکب در جهت انتقال و تسلیم اطلاعات (سوءنیت عام)، انجام این عمل به قصد جاسوسی (سوءنیت خاص) نیز ضروری می‌باشد. از این رو هر گاه فردی اطلاعات محرمانه‌ای را بدون قصد جاسوسی در اختیار برخی از بستگان خود قرار دهد، به دلیل عدم وجود

سوءنیت خاص جرم مزبور محقق نخواهد شد.^۱ قانونگذار در ارتباط با جرم ورود غیر مجاز به اماکن نظامی و امنیتی نیز علاوه بر این که اقدام مرتکب در جهت ورود به این اماکن را ضروری دانسته، وجود سوءنیت خاص - قصد سرقت و یا تحصیل اطلاعات - را هم لازم شمرده است. به همین دلیل است که ورود مرتکب به قصد کنجکاوی، بدون تردید خارج از موارد جرم یاد شده خواهد بود.

سیاست کیفری فرانسه در این زمینه متفاوت به نظر می‌رسد. سیاست کیفری که در اکثر موارد در مصادیق جاسوسی با اکتفا به جزء عام رکن روانی، توسعه دامنه جرم‌انگاری را سبب شده است. در میان مصادیق متعدد جاسوسی در حقوق کیفری فرانسه تنها دو مورد وجود دارد که قانونگذار وجود سوءنیت خاص را ضروری دانسته است. مصداق نخست آن درباره همدستی با قدرت خارجی (موضوع ماده ۴-۴۱۱) می‌باشد که قانونگذار با صراحت به سوءنیت خاص آن «بر انگیزختن دشمنی و یا انجام اعمال خشونت‌آمیز علیه کشور فرانسه»^۲ اشاره نموده است. مصداق دیگر آن، فراهم نمودن اطلاعات غلط برای مقامات دولتی (موضوع ماده ۱۰-۴۱۱) می‌باشد که قانونگذار صریحاً به سوءنیت خاص مرتکبین که همانا خدمت به منافع یک قدرت خارجی می‌باشد، اشاره نموده است. جدا از دو مصداق یاد شده قانونگذار با اعمال یک ضابطه نوعی - مضر بودن برای منافع اساسی ملت فرانسه و یا مضر بودن برای دفاعی ملی - وجود سوءنیت عام را در اکثر مصادیق جاسوسی کافی دانسته است. بر این اساس به نظر می‌رسد برای تحقق جنایت تسلیم تمام یا قسمتی از سرزمین ملی، نیروهای مسلح (موضوع ماده ۲-۴۱۱) صرف انجام عامدانه عمل تسلیم به قدرت خارجی و یا عوامل آن‌ها کفایت خواهد کرد. به نظر می‌رسد در این مصداق جاسوسی خطرات ناشی از تسلیم موارد مذکور در این ماده به حدی می‌باشد که وجود سوءنیت خاص از سوی قانونگذار مفروض گرفته شده است. در مقابل، جنایت تسلیم تجهیزات، تأسیسات و سایر موارد مذکور در ماده ۳-۴۱۱ که از سوی قانونگذار دارای اهمیت کمتری بوده، تحقق آن منوط به تأثیرگذاری آن‌ها بر دفاع ملی شده است. در جرم اخیر نیز به نظر می‌رسد وجود سوءنیت خاص ضروری تشخیص داده نشده است. در زمینه تحقق رکن روانی جرم موضوع ماده ۵-۴۱۱ قانون جزای فرانسه که به جرم همدستی با قدرت خارجی و یا عوامل آن‌ها می‌پردازد نیز وجود سوءنیت خاص لازم دانسته نشده است. مهم آن است که این همدستی با یک قدرت خارجی نوعاً بتواند برای منافع اساسی ملت فرانسه مضر تلقی گردد. عدم لازم شمردن وجود سوءنیت خاص و اکتفا به نوعاً مضر بودن اعمال

۱. برای دست‌یابی به دیدگاه مخالف مراجعه شود به حسین میر محمد صادقی، پیشین، ص ۸۶. «لیکن سوءنیت خاص یعنی این که با انجام این کار قصد ضربه زدن به نظام و یا بر هم زدن امنیت و نظایر آن‌ها را داشته باشد ضروری نیست».

2. En vu de susciter des hostilités ou des actes d'agression contre la France.

مرتکب برای منافع بنیادی ملت فرانسه را قانونگذار در مواد ۶-۴۱۱ (تسلیم اطلاعات، روش‌ها، اشیاء، اسناد به قدرت خارجی)، ۹-۴۱۱ (خرابکاری در اسناد، اموال تجهیزات، تأسیسات) نیز مطرح نموده است.

از بررسی مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست کیفری فرانسه - بر خلاف سیاست کیفری ایران - تحقق جرائم جاسوسی را به ندرت موکول به احراز سوءنیت خاص مرتکبین نموده است. این اقدام قانونگذار فرانسه زمینه تحقق این جرائم را آسان‌تر نموده و مجریان قانون را از اثبات سوءنیت خاص جرائم مذکور معاف ساخته است. به بیان دیگر می‌توان سیاست کیفری فرانسه در اکتفا نمودن به جزء عام رکن روانی جاسوسی را در راستای همان سیاست کیفری مبتنی بر توسعه دامنه جرم‌انگاری دانست. سیاستی که اجازه می‌دهد تا مصادیق جاسوسی بدون تقید و التزام به شرایط حداکثری رکن روانی ارتکاب یابند.

۲. گسترش جرایم غیر عمد

بر مبنای قاعده کلی جرایم صرفاً در حالت عمدی قابل مجازات بوده و صورت غیر عمدی آنها علی‌الاصول قابل مجازات نیستند. با این وجود در جرایم بسیار مهم سیاست کیفری کشورها تمایل به قابل مجازات دانستن حتی حالت غیر عمد آنها داشته است. نکته مهم در این زمینه آن است که تاکنون اگر این جرایم مهم منحصر در جرم قتل بوده لیکن سمت و سوی فعلی سیاست کیفری کشورها متمایل به برخی جرایم علیه امنیت کشور شده است. توضیح آن که برای مثال به دلیل اهمیت حفظ اطلاعات دارای اهمیت و ضررهایی که در اثر بی‌مبالاتی مسئولان مربوطه و عدم حفاظت بهینه از منافع اساسی ملت در زمینه‌های مختلف ممکن است محقق شود، قانون جزای فرانسه در ماده ۱۰-۴۱۳، بی‌مبالاتی منتهی شدن به آشکار شدن اسرار دفاعی کشور را قابل مجازات دانسته است. نکته مهم در ماده فوق آن است که اولاً هر فردی که خواه دولت و یا به دلیل حرفه و شغل خود امین دانسته شود، مشمول جرم فوق می‌گردد و ثانیاً هر گونه بی‌مبالاتی که منجر به افشاء، گم کردن و از دست دادن اطلاعات شود مشمول مجازات خواهد بود. رویکردی که در حقوق ایران در حال حاضر به دلیل به کارگیری قیود متعدد «مأمورین دولتی»، «تخلیه اطلاعاتی» و نیز «دشمن» در ماده ۵۰۶ ق.م.ا (بخش تعزیرات) امکان پذیر نمی‌باشد. مهم در این زمینه آن است که سیاست کیفری کشورها در جهت سیاست توسعه بخشی دامنه جرم‌انگاری، غیر عمدی بودن برخی جرائم علیه امنیت را نیز قابل مجازات دانسته است.

نتیجه گیری

حقوق کیفری راهبردهای متفاوتی را در زمینه جرم‌انگاری جرایم مختلف بکار می‌بندد. چنین ظرفیتی در حقوق کیفری وجود دارد که بتواند بسته به نوع جرم و اهمیت آن استراتژی خود را تغییر دهد. به موازات آن که می‌تواند در بسیاری از جرائم کوچک و متوسط از استراتژی عقب‌نشینی حقوق کیفری بهره‌بردارد، در بسیاری از جرایم مهم و اساسی از منظر قانونگذار می‌تواند از استراتژی تهاجمی و توسعه‌طلب استفاده نماید.

توسعه دامنه جرم‌انگاری می‌تواند از طریق راهکارهایی چون تغییر در اوصاف مجرمانه، گسترش موضوعات جرایم و نیز جرم‌انگاری‌های جدید صورت گیرد. طرح اصطلاح «منافع اساسی ملت فرانسه» نمونه‌ی روشنی است در جهت این که ورود یک اصطلاح تا چه میزان می‌تواند دامنه‌ی جرم‌انگاری بسیاری از مصادیق جاسوسی و خیانت به کشور تا حوزه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی را توسعه دهد. علاوه بر آن که موضوع جاسوسی در حقوق این کشور می‌تواند شامل اموال و اشیاء مهم نظامی نیز باشد.

افزون بر این، نوع و روش قانونگذاری نیز می‌تواند زمینه‌ساز توسعه عملی عناوین مجرمانه در حقوق کیفری باشد. به کارگیری اصطلاحات و عبارات کلی، مبهم و اختلاف‌زا در متون قانونی از جمله روش متداول قانون‌نویسی در حیطه‌ی جرایمی است که از نگاه مقنن دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. بهره‌گیری از این نوع قانونگذاری سبب می‌شود تا مجریان قانون در عمل بتوانند به راحتی بسیاری از موضوعات خارجی را با عناوین کلی متون قانونی تطبیق دهند.

سیاست کیفری دیگری که می‌تواند در راستای گسترش دامنه‌ی جرم‌انگاری جرایم تأثیرگذار باشد، استفاده مقنن از جرم‌انگاری‌های بدون تقید به نتیجه است. تحلیل رکن مادی برخی از جرایم مهم علیه امنیت و حاکمیت سیاسی نشان می‌دهد که قانونگذار بر آن بوده است که در راستای تسهیل اثبات جرایم خاص، صرف‌نظر از تحقق یا عدم تحقق نتایج جرایم آنها را مشمول جرم‌انگاری قرار دهد. در این راستا می‌توان به جرم‌انگاری‌های متداول جرایم علیه امنیت در حقوق فرانسه اشاره نمود که غالب آنها به صورت مطلق وضع گردیده‌اند.

از راهبردهای دیگر تأمین‌کننده سیاست کیفری تهاجمی همانا جرم‌انگاری اعمال مقدماتی، جرم‌انگاری با اکتفا به سوءنیت عام و نیز پذیرش جرم‌انگاری جرایم غیر عمد در جرایم خطرآفرین علیه نظم و امنیت عمومی و یا جرایم علیه حاکمیت سیاسی می‌باشد.

جرم‌انگاری اعمال مقدماتی در زمره مهم‌ترین سیاست‌های کیفری است که می‌تواند دامنه جرم‌انگاری را توسعه قابل ملاحظه‌ای دهد. در حقوق کیفری ایران و فرانسه همواره از این سیاست در راستای جرم‌انگاری جرایم مهم استفاده شده است. در حقوق ایران جرایمی همچون تشکیل یا

اداره جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت عمومی (موضوع ماده ۴۹۸ ق.م.ا. تعزیرات) و نیز ورود به اماکن امنیتی به جهت سرقت یا تحصیل اطلاعات (موضوع ماده ۵۰۳ ق.م.ا. تعزیرات) و در حقوق فرانسه جرم‌انگاری جرایمی همچون شرکت در اجتماع بزهکاران (موضوع ماده ۱-۴۵۰)، جمع‌آوری اطلاعات به قصد تسلیم آن به قدرت خارجی (موضوع ماده ۷-۴۱۱) و تسلیم اطلاعات نادرست به مقامات مسئول (موضوع ماده ۱۰-۴۱۱) در همین راستا صورت گرفته است.

شیوه‌ی سازوکار ناظر بر ترکیب اجزاء رکن روانی نیز در تعیین دامنه‌ی جرم‌انگاری تأثیرگذار است. به میزانی که قانونگذار در تعیین رکن روانی مورد نیاز جرایم، اجزای کمتری را ضروری بداند دامنه‌ی جرم‌انگاری جرایم را افزایش داده است. از این روست که امروزه در جرم‌انگاری جرایم مهم و خطرآفرین علیه نظم و امنیت عمومی، جرم‌انگاری با اکتفا به سوءنیت عام متداول گردیده است. پر واضح است که سیاست کیفری مبتنی بر عدم نیاز به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه و نیز گسترش جرایم عمد می‌تواند مشمول جرم‌انگاری را افزایش دهد.

چنین سیاست‌هایی به همگان این نکته را گوشزد می‌کند که امروزه برای تحقق سیاست کیفری امنیت‌مدار و تهاجمی نیز توجه به اسلوب‌های جدید جرم‌انگاری با تکیه بر مفاهیم ذاتی حقوق کیفری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تکیه مستمر بر افزایش مجازات اهمیت تاریخی خود را از دست داده است.

منابع

- آزمایش، سید علی (۱۳۷۸-۱۳۷۹)، **درسنامه حقوق جزای اختصاصی (۲)**، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- الیوت، کاترین و ورنون، کاترین (۱۳۸۲)، **نظام حقوقی فرانسه**، ترجمه صفر بیگ زاده، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بولک، برنار (۱۳۷۳)، **کیفر شناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد.
- پرادل، ژان (۱۳۷۳)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین ابرند آبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پیمانی، ضیالدین (۱۳۷۷)، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ریاض الخانی، محمد (۱۹۸۶)، **شرح قانون العقوبات**، القسم الخاص، دمشق: مطبوعه الاسکان.
- زراعت، عباس (۱۳۷۷)، **شرح قانون مجازات اسلامی**، جلد اول، تهران: نشر فیض.
- ساریخانی، عادل (۱۳۷۸)، **جاسوسی و خیانت به کشور**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- سپه وند، امیر (۱۳۷۶)، *درسنامه حقوق جزای اختصاصی ۳*، دانشگاه امام صادق (ع).
 کلارکسون، سی.ام.وی (۱۳۷۱)، *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه حسین میر محمد صادقی،
 تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گری، جان (۱۳۷۹)، *فلسفه سیاسی جان استوارت میل*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح
 نو.
- محمودی، فیروز (۱۳۸۲)، *مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری*، رساله دکتری حقوق کیفری و
 جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۰)، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ سی‌ام، تهران:
 نشر میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی (۱۳۹۰)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ دوم،
 تهران: انتشارات شهید بهشتی.
- Bouloc, Bernard (1996), et Yves Mayaud, *Code pénal commenté*, Dalloz, . .
 Paris.
- Desportes, Frédéric (2008), et Francis le Gunehec, *Droit pénal général*, 9^e édit.
 Economica, . Paris.
- Leclerc, Henri (1994), *Le nouveau code pénal, 1994*. Seuil, 3^e éd. Paris
- Maison, Rafaele (2004), *La responsabilité individuelle pour crime d'Etat en
 droit international public*, Bruylant, Bruxelles.
- Mayaud, Yves (1997), *Le terrorisme*, Dalloz, Paris.
- Mayaud, Yves (1996), *Code pénal commenté*, Dalloz, Paris.
- Pradel, Jean (1994), *Droit pénal général*, Cujas, Paris.
- Pradel, Jean (1994), et Michel Danti – Juan, *Manuel de droit pénal
 spécial, 1994*. 2^e édit. Cujas. Paris
- Veron, Michel (1998), *Droit pénal spécial*, 6^e édit. Masson. Paris.